

جناب سردار!
از گذشته درس بگیردعبدالجواد موسوی
شاعر و روزنامه‌نگارجناب سردار رادان
سلام‌علیکم

احتمالاً شما هنوز به سن وسالی نرسیده اید که حافظه‌تان دچار مشکل شده باشد، اما جهت خالی نبودن عریضه و مثلاً مقدمه بد نیست به یادتان بیاورم دو سال پیش را.

دقیقاً دو سال پیش و در چنین روزهایی فیلم‌هایی از گشت ارشاد بیرون آمد که مایه وهن انسان ایرانی بود. فیلم‌هایی که دل هر دردمندی را به درد می آورد. در یکی از آن فیلم‌ها زنی روی زمین کشیده می شد و در دیگری، مادری فریاد می زد بچه‌ام را کجا می برید؟ خیلی‌ها اعم از حزب‌اللهی و روشنفکر و انقلابی و ضدانقلاب به آن وضع اعتراض کرد و هشدار داد که این اوضاع شرم‌آور به‌زودی از گریبان فاجعه‌ای عظیم سر بر خواهد کرد. طبق معمول آن‌هایی که باید می شنیدند، نشنیدند یا خودشان را به نشنیدن زدند و باز هم طبق معمول شد آنچه باید می شد یا نباید می شد. از آن جایی که ما هیچ وقت اهل عبرت نبوده و نیستیم و تا فاجعه بر سرمان آوار نشود به خودمان نمی‌آییم، نمتنها از آن ماجرا درس نگرفتم که دوباره داریم عین همان داستان را تکرار می‌کنیم. آنچه در کوی و برزن می گذرد هیچ ربطی به حجاب مورد علاقه شما و همگنان شما ندارد، اما شما مثل همیشه اصرار دارید ظاهر ماجرا حفظ شود. و ظاهر ماجرا چیست؟ همین فیلم‌هایی که نشان می‌دهد مأموران شما با شدت و حدت تمام مشغول انجام وظیفه‌اند و حتی در مقابل دختران ۱۴ ساله این سرزمین چنان جدیتی به خرج می‌دهند کانه با مشتی تروریست بین‌المللی مواجه‌اند. این فیلم‌ها اگر چه مایه شرمساری هر انسانی است، اما گواهی است بر ثابت قدمی شما در مبارزه با بی‌حجابی، تا معتقدان به گشت ارشاد کماکان از شما راضی باشند و شما هم بتوانید در پرتو رضایت آن‌ها به مأموریت خود ادامه دهید. مبارک باد بر شما و معتقدان به شما. اما بعد. گمان نکنید فاجعه‌ای که دو سال پیش رخ داد دیگر تکرار نخواهد شد. بله، به یک معنا تکرار نخواهد شد چنان‌که پس از فاجعه اسلامشهر و مشهد در اوایل دهه ۷۰ تا فاجعه کوی دانشگاه و ماجرای بنزین و مهسا امینی و دیگر فجایع، به‌ظاهر هیچ فاجعه‌ای تکرار نشده است. بالاخره بعد از یک هفته یا شش ماه همه چیز به حالت عادی برگشته و شهر در امن و امان بوده اما چون نیک نگریذ: اول آنکه فاجعه بعدی زودتر از راه رسیده، یعنی فاصله‌اش با بلوای قبلی کمتر و کمتر شده و دوم آنکه هر بار آشوب از دفعه قبلی مهیب‌تر و طولانی‌تر بوده. جالب‌تر اینکه هر بار هم، پیش از بحران، اهل انصاف و آن‌هایی که این سرزمین را عاشقانه دوست می‌دارند به شما، دوستان و همکاران شما تذکر داده‌اند. دیگر بعد از این همه سال قطعاً به شما نیز ثابت شده که متذکران نه جاسوسند، نه دشمن این آب و خاک، فرموده‌اید: «رفتان آن‌خانم‌ها بد بود و رفتار همکاران من کمی غیر حرفه‌ای». آقای رادان! ضمن نفي هزاران باره اصل این طرح و طرح‌های مشابه که حاصلی جز بردن رونق مسلمانی ندارد، باید خدمت‌تان عرض کنم: همکاران شما آموزش دیده‌اند که حرفه‌ای عمل کنند، نه غیر حرفه‌ای. آن‌ها حقوق می‌گیرند که حرفه‌ای عمل کنند. آن‌ها موظفند که حرفه‌ای عمل کنند. آن‌هم نه در مقابل دو دختر ۱۴ ساله؛ که در مقابل زورگویان، سارقان و برهم‌زنندگان امنیت مردم. در مقابل دو دختر ۱۴ ساله - حتی اگر جانی و قاچاقچی باشند - باید علاوه بر حرفه‌ای عمل کردن کمی هم با عفوطلب بیشتری عمل کنند. کمی نرم‌تر. کمی انسانی‌تر. کمی خداپسندانه‌تر. کمی پدرانه و مادرانه‌تر. قیاس آن دو دختر ۱۴ ساله بی‌جرم و بی‌جنایت که هیچ آموزشی ندیدند و تنها مرجع آموزش آن‌ها در نظام جمهوری اسلامی همین صداوسیما، خالص‌ساز و آموزش‌پرورش متعهدپرور بوده با همکاران رشید و بالغ‌تان، اگر بی‌انصافی نباشد قطعاً قیاس مع‌الفارق است.

سخن آخر: این بساط را که جز دردسر برای خودتان و کشور چیز دیگری ندارد جمع کنید. از این بساط بوی خوبی نمی‌آید. اگر حقیقتاً آلسوز این مرز و بومید به جای دفاع از این بساط، هزینه‌های آن را برای فرادستان تشریح کنید. در ضمن به‌جای دفاع از همکاران‌تان به آن‌ها بیاموزید که مسئولیت اعمال‌شان را بپذیرند. از گذشته درس بگیرید. اگر در ماجرای مهسا امینی به‌جای انکار و اتهام‌زدن به دیگران، یکی، دو نفر از همکاران شما پای میز محاکمه می‌رفتند آن همه مصیبت پیش نمی‌آمد. به‌جای دفاع از چند همکار متخلف، به فکر آبروی یک شملت باشید. ای کاش روی کفن همه ما بنویسند: صاحب این جنازه همه عمر با زهد و روشن، رباخوران، رانت‌خوران، اختلاس‌گران، برهم‌زنندگان امنیت و آسایش و دشمنان قسم‌خورده دین و دنیای مردم مبارزه کرد. آمین.

۲۴ ساعت

۱۶

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کریا سچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خدیر
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمن منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • شبنم رحمتی (معاون آنلاین)
• حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۰۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۰۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۰۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌مین. • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲



سند استبداد یا استقلال؟

وزارت ارشاد دولت سیزدهم در روزهای آخر درصد دولتی‌تر کردن سینماست

نکات ذکر شده خانه سینما و سینماگران، سند اتصوب کردند تاریخ و منش مستبدانه یک وزیر فرهنگ بار دیگر آشکار شود.

رضا صائمی
خبرنگار گروه فرهنگ

گویی بازمانده‌های دولت سیزدهم در وزارت فرهنگ و ارشاد، آخرین دست و پاهای خود را می‌زنند تا سلطه سلیقه و گفتار خود بر تقدیر سینما را به‌زعم خود تدبیر کنند. محمد مهدی اسماعیلی، وزیر ارشاد در آخرین جلسه شورای هنر که روز دوشنبه (۲۲ مردادماه) برگزار شد، عاقبت سند ملی سینما را به تصویب رساند که در این چند مدت اخیر بر سر آن بحث و مجادله فراوانی در گرفته بود. ۲۵ تیرماه خانه سینما در نامه‌ای خطاب به سرپرست ریاست جمهوری و رونوشت به پزشک‌نایب رئیس جمهور منتخب، نگرانی خود را نسبت به این نامه ضوابط صدور پروانه فیلمسازی و نمایش فیلم با سرپرست دبیر خانه شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح کرد. در بخشی از این نامه آمده بود: «به‌تازگی در رسانه‌های مجازی تصویر این‌نامه ضوابط صدور پروانه فیلمسازی و نمایش فیلم با سرپرست دبیر خانه شورای عالی انقلاب فرهنگی منتشر شده که موجب نگرانی عمیق فیلمسازان و سینماگران شده است... اینک وظیفه حرفه‌ای خویش دانستیم تا پیش از آنکه با امضای این آیین‌نامه‌شان شورای عالی انقلاب فرهنگی و جایگاه کفالت ریاست جمهوری، تضعیف و تخریب شود، نسبت به آن هشدار داده باشیم.»

▼ توالتینار رسم سینمایی

آنچه در این سند بیش از هر چیز نگران‌کننده است، اختیاراتی است که به رئیس سازمان سینمایی داده می‌شود و او را به حاکم مطلق قلمرو سینما بدل می‌سازد. در واقع یک نوع رسمیت بخشیدن به یک توالتینار رسم سینمایی. براساس مصوبه این سند «رئیس سازمان سینمایی قانوناً می‌تواند در هر مرحله از تولید، جلوی تولید فیلم را بگیرد و تولیدش را منتهی کند و می‌تواند مانع از اکران فیلم تا شش ماه و بعد تا یک سال یا بیشتر شود. همچنین هنر مند به‌عنوان کارمند وزارت ارشاد در نظر گرفته شده است.» البته اسماعیلی در واکنش‌های انتقادی به این بند در مصاحبه‌ای گفت: «این طور نیست که در هر مرحله این اتفاق بیفتد. این اتفاق الان هم ممکن است بیفتد. این مصوبه آمده و کار را شفاف کرده است. مصوبه می‌گوید اگر چنین اتفاقی افتاد، با ارائه دلیل به تصویب وزیر برساند و این طور نیست که فقط رئیس سازمان سینمایی تصمیم بگیرد. چنین کاری فرایند کاملاً شفاف دارد. در واقع این آیین‌نامه همه چیزهایی که اتفاق می‌افتاد و خارج از دسترس ذی‌نفعان بود را به‌صورت شفاف مشخص کرده است. می‌توان به همه این موارد ایراد گرفت، اعتراض کرد و تجدیدنظر خواست، در حالی که در آیین‌نامه‌های قبلی این موضوع مسکوت بود.» اما این پاسخ بازم سینماگران را قانع نکرد و محمد مهدی عسگری، مدیرعامل خانه هنرمندان در توییتی نوشت: «اصرار مسئولان وزارت فرهنگ و ارشاد برای تصویب سند ملی با اشکالات بسیار مهم و ضرر‌زننده به سینما در روزهای پایانی کارشان نمتنها خدمت به سینما نیست، بلکه بسیار ناشایست است.»

در ادامه اسماعیلی از علی دکردی، مدیرعامل خانه سینما برای حضور در شورای هنر و گفت‌وگو پیرامون سند ملی سینما دعوت به عمل آورد و جلسه‌ای در حضور دو نفر نماینده از سوی شورای هنر، هیئت‌رئیس و مشاوران حقوقی خانه سینما برگزار شد و پس از گفت‌وگو و تبادل نظر مفصل مقرر شد که خانه سینما نظر مکتوب خود را ارائه دهند. بعد روابط عمومی خانه سینما اعلام کرد که هیئت‌رئیس خانه سینما پس از بررسی تمام جوانب، دیدگاه و نظر خود را برای وزیر و شوراهای عالی انقلاب فرهنگی و رئیس سازمان سینمایی ارسال و تاکید کرد: «هیئت‌رئیس خانه سینما به نمایندگی از جامعه اصناف سینمایی ایران پس از مطالعه و بررسی متن پیشنهادی با سرنام «سند ملی سینما» اعلام می‌دارد که با کلیات این پیش‌نویس کاملاً مخالف است و از انگیزه‌های تنظیم‌کنندگان این سند ابراز شگفتی کرده است.» عاقبت در آخرین جلسه شورای هنر، وزیر ارشاد کنونی اسماعیلی برگزار شد و بدون توجه به هشدارها و

چهره

بنیان‌گذار دستان

حمید متبسم، آهنگساز و نوازنده تار و سه‌تار و از بنیان‌گذاران گروه دستان امروز ۶۶ ساله می‌شود. حمید متبسم ۲۴ مردادماه ۱۳۳۷ در مشهد به دنیا آمد. عشق به موسیقی مانند بسیاری از اهالی این هنر از کودکی در جانش رخنه کرد و تاکنون ادامه دارد. او این علاقه را مدیون خانواده به‌ویژه پدرش می‌داند. این هنرمند در دوران کودکی آموزش تار را نزد پدرش علی متبسم آغاز کرد و با شاگردی در محضر استادان بنامی چون هوشنگ ظریف، محمدرضا لطفی و حسین علیزاده اکنون خود به هنرمندی برجسته تبدیل شده و بنیان‌گذار گروهی شده که به «دستان» مشهور است. متبسم، هنرمندی است که سابقه همکاری به‌عنوان آهنگساز و نوازنده را با خوانندگان مطرح موسیقی ایران از جمله شهرام ناظری، مرحوم ایرج بسطامی، صدیق تعریف و سیما بینا را در کارنامه

پر بار هنری خود به ثبت رسانده است. هم‌اکنون شجریان و سالار عقیلی هم از جمله خوانندگانی هستند که از آثار حمید متبسم بی‌بهره نمانده‌اند.



کتابخانه

تاریخچه‌ی پیدایش زمین

کتاب «زیباترین تاریخ زمین» توسط جمعی از زمین‌شناسان در رابطه با تاریخ پیدایش زمین نوشته شده است. این کتاب با وام‌گیری از فرم نمایشنامه در سه‌پرده با نام‌های پرده‌ی اول: «پیدایش یک خانه‌بدهوش» یا سه‌صحنه «دختر زمان»، «زیر نور مهتاب» و «آسمان زمین»، پرده‌ی دوم: «سیاره‌ی زنده» یا سه‌صحنه «سال‌های سهمگین»، «عصر دگرگونی» و «سیاره‌ی مسکونی» و پرده‌ی سوم: «زمین انسان‌ها» یا سه‌صحنه «مستعمرسازی»، «انسان آب برمی‌دارد» و «به‌سوی سازش»، تاریخچه‌ی پیدایش زمین را شرح می‌دهد. این کتاب در پی پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی از این دست است: «چرا این سنگریزه‌ی ناچیز در بی‌کرانگی جهان با این سرنوشت شگفت‌آور مواجه شد؟ چگونه این سنگریزه به سیاره‌ای در حال تغییر تبدیل شد و در گوشه‌ای از کهنکشان زندگی را پدید آورد؟»، کتاب «زیباترین تاریخ زمین»، نوشته‌ی آندره براتیک، پل تاپوئیه، لستر براون و ژاک ژیراردون، با ترجمه‌ی مهدی ضرغامیان در ۱۹۹ صفحه، با قیمت ۲۰۰ هزار تومان توسط انتشارات نشر نو منتشر شده است.



زیباترین تاریخ زمین
نویسنده:
گروه نویسندگان
مترجم:
مهدی ضرغامیان
انتشارات: نشر نو

تاریخ

قیام افسران خراسان



قیام افسران خراسان، به قیام نظامیان متمایل به حزب توده ایران در خراسان در مردادماه سال ۱۳۲۴ علیه حکومت وقت گفته می‌شود. این قیام که فرماندهی آن را سرگرد علی اکبر اسکندانی

برعهده داشت، در شب ۲۴ مردادماه آغاز شد و در ۲۹ مردادماه به شکست انجامید. افسران مخالف دولت که ۲۰ نفر بودند، در اواخر شب ۲۴ مردادماه طی برنامه‌ریزی قبلی با برداشتن اسلحه و مهمات، با سوار شدن بر دو کامیون و یک جیب، از مشهد خارج شدند و به سمت ترکمن صحرا حرکت کردند. در آغاز نیز موفقیتی کسب کردند اما در نهایت در تله پلیس و ژاندارمری افتادند. اسکندانی و شش نفر دیگر کشته شدند. برخی دیگر از طریق مرز به شوروی فرار کردند و بعضی نیز دستگیر شدند. درباره نظر حزب توده نسبت به این عملیات اختلاف نظر وجود دارد. برخی مدعی حمایت حزب از این عملیات هستند و برخی گزارش‌ها حکایت از موافق نبودن حزب دارد. به هر روی با این عملیات فشار برای شناسایی نفوذی‌های حزب توده در ارتش افزایش یافت و به دستگیری ۴۰ نفر از افسران شاخه نظامی حزب توده انجامید.